

جنگ رسانه ها و جایگاه روز نامه نگاری در افغانستان

عصر کنونی را که عصر انقلاب ارتباطات مینامند چنین ادعای، جزء ادعای نامتجانس و طفلانه بیش نیست. چون انقلاب به موضوعی از دید اجتماعی اطلاق میگردد که: « يك تحول کيفي و بنيادي، يك چرخش عظيم و اساسي در حیات جامعه به میان آید که ادامه آنرا تحول مینامند » پس برای یکبارگی انقلاب و برای بار دوم در عین عرصه اجتماعی انقلاب نه بلکه تحول میتواند باشد. و تحویکه امروز به میان آمده در ساحه رسانه ها همانا، جز تغییر شکل در روزنامه نگاری چیزی بیش بوده نمیتواند که در اثر آن جنگ رسانه ها به میان آمده است؛ از اینرو انقلاب جنبه کیفی دارد و تحول جنبه کمی.

امروز که جای یک خبرگزاری چند آژانس اطلاع رسانی، به جای یک روز نامه چندین روز نامه، عوض یک هفته نامه، یک مجله، یک ماهنامه، فصلنامه، سالنامه، به حد کافی هفته نامه، ماهنامه، فصلنامه، سالنامه و مجله در کشور فعالیت می کنند، هر رسانه ای باید برای خود یک علت وجودی تعریف کند تا پایدار بماند یعنی چیزیکه تا حال ما شاهد آن نیسیتم. اکنون عنصر رسانه در دنیا جایگاه ویژه ای یافته و هر چه می گذرد، نقش آن برجسته تر می شود و در گوشه و کنار شاهد آغاز جنگ رسانه ها در مناقشات بین المللی هستیم که باید آن را جدی گرفت.

فرهنگ رسانه ای، که امروز در افغانستان مروج است نظیر آنرا در منطقه و اکثر کشور های جهان نمی توان سراغ کرد. زیرا نشریات در افغانستان بدون فرهنگ اصلی آزادی بیان، وارد جو رسانه ای در خانواده مطبوعات جهانی گردیده، که دارای موقف مشخصی رسانوی نمیباشد. رسانه های کشور هیچ گاهی به عنوان یک سند از سوی رسانه های خارج مرزی مورد پذیرش نیست، چون اعتقاد بر این است که موضوعات

نادرست رسانه های افغانی بیشتر از آنچه است که واقعیت دارد . از اینرو نشریات داخلی تحت تأثیر مشخص رسانه های خارجی اند و بیشتر اوقات با استناد از رسانه های چون « بی بی سی ، گاردین ، اندپندن ، CNN ، نیو یارک تایمز ... » موضوعاتی خبری خود را تکمیل می نمایند که خود ضعف رسانوی را در عصر جنگ رسانه ها در کشور نمایان می سازد.

روزنامه نگاران و دست اندر کارانی مطبوعاتی یا درست سواد روزنامه نگاری ندارند و یا اینکه روز نامه نگاری را خارج از مرز های افغانستان فرا گرفته اند و آنانیکه در دانشگاه ها ، مصروف آموزش و آموزگاری اند و یا قبلاً ژورنالیزم را از دانشگاه ها پاس کرده اند ، از موضوعات و تغییراتی جدید آگاهی ندارند و حال به صورت اجباری و خواهی نخواهی به تدریس آنچه که آموخته اند ؛ پرداخته و بعضی ها اعتقاد به اصلاحات هم ندارند و فقط میخواهند بگویند . که این خود بیانگری عقب مانی و فقر روزنامه نگاری را در کشور بیان میدارد . هرگاه چرخ بدین منوال در حرکت باشد ، روز نامه نگاری نتنها نهادینه نمیگردد بلکه به عنوان یک قدرت خود ، قدرت خود را نفی میکند .

از این لحاظ آنانیکه سواد روزنامه نگاری ندارند دست به نشر دشنام نامه ها میزنند و آنیکه سواد روز نامه نگاری دارند درست از درک شرایط در افغانستان عاجز بوده و همیشه موضوعات را منتشر میکنند که در جامعه افغانی بدان خلاف فرهنگ اسلامی پنداشته میشود و نشر آن جرم محسوب میگردد .

رسانه های افغانستان می توانند با آسیب شناسی و مقایسه خود با رسانه های دنیا امکان نقش آفرینی فعال و حضور عالمانه و سنجیده در عرصه اطلاع رسانی و تنویر افکار عمومی ایفا کنند. در صورتیکه ، آموزش نوین روز نامه نگاری ، دموکراسی ، آزادی و فرهنگ انتقاد از خود و انتقاد از دیگران ، برای اشخاصیکه مایل به روزنامه نگاری و یا روزنامه نگار اند ، تدریس گردد. تا زمینه تفاهم به میان آمده و فاصله ها کوتاه گردد .

ژورنالستان امروز در افغانستان کوچکترین واقعه را با آوردن مقدمه تحدید بر انگیز به خاطر خرید اخبارشان چنان بزرگ جلوه میدهند که از اصل موضوع کنار میروند و واقعه را به جانب دیگری منتقل میکنند. اصلاً کارمندان رسانه ها امروز به خاطر بر ملا ساختن واقعیت ها فعالیت نمیکنند، بلکه به خاطر کمایی شهرت جهانی همه اصول و اساسات حرفه ای خود را به خاطر اینکه نام آنها سر زبانها باشند، کار میکنند. تا تحدیدی از جانبی برایشان خلق گردد، چون از کشور بیزار اند، پناهندگی سیاسی در کشورهای امریکایی و اروپایی در یافت کنند.

گذشته از آن این یک حقیقت انکار ناپذیر است که مخاصمهٔ رسانویی از غرب تا شرق، از خاور دور گرفته تا خاور نزدیک و منطقه جریان دارد. در حقیقت رسانه ها امروز ابزاری تبلیغی برای کشورهای تجارتي بوده و در افزایش بحران و در گیری ها در سراسر جهان نقش تعیین کننده را ایفا کرده است. اگر باری از روز نامه نگاری پرسیده شود که به نفع چه کسانی فعالیت میکنند؟ جواب کاملاً مشخص را ارایه خواهند کرد « ملت ها »! این تعریف از آزادی روزنامه نگاری نه بلکه تحریف از آن است!

میشایل شوسو دفسکی نویسندهٔ کتاب جنگ و جهانی شدن در قسمت سوم با نقل از سازمان سیا اصطلاح "ابزار اطلاعات" را چنین تعریف می کند که برخلاف يك مامور مستقیم اطلاعات که باید در صورت لزوم تا حد فدا کردن خود برای منافع آمریکا پیش رود، يك "ابزار" اطلاعاتی کفایست که در جهت منافع سیاست خارجی ایالات متحده قرار داشته باشد. این ابزارهای اطلاعاتی غالباً خود نمی دانند که در حال انجام وظیفه ای هستند که سازمان سیا برعهده آنان گذاشته و به اجرای آن در صفحه شطرنج ژتوپولیتیک مامور کرده است.

اگر روز نامه نگاران کشوری به نفع سیا به تبلیغات نه پر دازد؛ به عنوان ناقضین آزادی بیان، عقیده و دموکراسی محکوم میگردند: مانند کشورهای چین، روسیه، ایران، ونزوئلا، کوریا و... که در گزارش سالانه از سوی پنتاگون امریکا در صدر قرار دارند، امریکا تلاش میورزد تا با ابزاریکه در اختیار دارد افکار مردم این سرزمین ها را نیز تغییر دهد. ولی شرایط در این کشور ها چنان است که در آن خواست دولت ها در

زیر نظر است نه خواست پنتاگون و نه سیا و نه کاخ سفید ، انگلستان ، آلمان و در کل ناتو !

اما در چنین شرایطی رسانه ها امروز در افغانستان به عنوان یک قدرت از سوی دولت پنداشته نمیشود و همیشه بدان به دست کم نگریسته شده ، دولت یا توجه به رسانه ها ندارد و یا توجه دولت در این زمینه اندک است . در کشوری چون افغانستان که امروزه مردم آن با اشغال و به ظاهر دموکراسی پنجه نرم میکنند . از رئیس جمهوری چون کرزی باید همینقدر توقع داشته باشند چرا که هویت افغانی آقای کرزی خود زیر سوال است . گذشته از آنچه که تذکر رفت ؛ رسانه ها در افغانستان مملو از دشنام نامه ها است و خلاف موازین روزنامه نگاری فعالیت میکنند . هرگاه رسانه ای را از زیر نظر بگذرانیم ، و یا بدان گوش فرا دهیم، مجموعه از انتقادات شدید الحنی است که روز نامه نگار برای بر آورده ساختن عقده شخصی خود و یا خشونت‌ی که نسبت به موضوع دارد گزارش ، مقاله و... مینویسد .

جنگ رسانوی که با آغاز جنگ سرد شروع گردیده و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به اوج خود رسیده و امروزه در توجیه افکار عامه و سمت و جهت دهی افکار بین المللی دارند عرصه را برای زندگی آزاد محدود میکنند که در این عصر رسانه های افغانستان با شرایط بحرانی چون:

← بیسوادی روز نامه نگاری

← عدم درک از موازین فرهنگ های سنتی

← مصرفی شدن که خصلت امروز با زار افغانی است

← تجار تی شدن رسانه

← قرار گرفتن در زیر آبشار واردات فرهنگ بیگانه

← مشکل مالی

← نداشتن خط و مشی مشخص رسانوی

← عدم موجودیت نهاد های مستقل فکری

← بیتوجهی دولت و دولت داران

← بی برنامه گی رسانه ها

← کاپی کردن بدون درک آن

← ترویج فرهنگ بیگانه

← زیر پا گذاشتن مسولیت

و دهها مشکل دیگر از قبیل دست و به گریبان اند .

رسانه ها امروز در افزایش و به میان آوردن بحران های متفاوت در کشور های عقب نگه داشته شده ، نقش کاملاً مشخص را در اصول نشراتی خود جا گذین کرده اند . ضعف آنچه که در فوق تذکر رفت ، از ثبات روزنامه نگاری در این سری کشور ها کاسته و آنرا به یک پدیده نا متجانس و غیر قابل قبول مبدل کرده است . و آنچه که می نگارند هم در برابر غول های بزرگی چون بی بی سی ، آشنا ، CNN ، دوچویله و... کمرنگ جلوه میکند و نمیتواند با آن به مقابله بر خواسته از موقف و جایگای این دسته سر زمین ها دفاع کنند .

www.ayenda.org